

### چرا دل وزارت نفت

### برای کشتی آتش‌گر فته ایران نمی‌سوزد؟



خسرو مستعد

روزنامه‌نگار و مورخ

مختلسان ایرانی تأسیس خواهد شد که فرمانداری کل را ن آقای خاوری مدیرعامل و رئیس ستواری بانک ملی ایران بر عهده خواهد داشت. این شخص ۳۰سال سابقه خدمت در وزارت نفت داشت. اکنون سامانه‌های نظارتی به مصداق نوشادروی پس از مرگ سهراب در حال بررسی و تعیین میزان دقیق اختلاس از مدیریت کشف نفت هستند. قرار است نفت نیوز در این باره اطلاعات مسبوط نشر دهد. وزارت نفت از دوران تصدی وزیر کنونی آقای مهندس زرنگه تلاش وافر دارد تمام رویدادهایی را که به وقوع می‌پیوندد، زیر چتر سکوت و بی‌اهمیت قلمداد کردن پنهان کند. خانمی را مسئول تأسیسات و سازمان عظیم پتروشیمی گذاشته بودند که وقتی حوادث خاتمه یافت، ایشان را ارتقای مقام دادند و قائم‌مقام وزیر نفت کردند. خیلی برابم جالب بود این خاتم در همان روزهای اول تصدی پست جدید، مراسم سان و دقیقه در صحن وزارتخانه ترتیب داد و از نیروهای حفاظتی وزارتخانه سان دیددر خصوص حریق وحشتناک کشتی نفتکش سانچی که من متحیر مانده‌ام چرا نام چینی دارد در حالی که جزو اموال شرکت ملی نفتکش ایران و وزارت کار، تعاون و رفاه است. (به خاطر معافت‌های مالیاتی زیر پرچم پاناما حرکت کرده است) این چه پولسامی‌ای است که بعد از هفت روز نتوانسته مجوز ورود به کشتی بگیرد، البته طی روزهای گذشته این مسائل روشن و معلوم شد بنا به نوشته خیلی خلبان کار کشته چون آتش تا ۹۰۰ متر زبانه می‌کشید، حتی با هواپیماهای اِی‌فان نیز نمی‌توانستند حریق را خاموش کنند.صدا و سیما در چهار روز اول سکوت اختیار کرده بود، در یک شبکه اجتماعی داخلی از شکل لاک‌پشت‌های سواحل ایران در جنوب و کشتن و طبلخ آنان که موجودات نادر محیطز پست هستند نیز تله گذاشتن و شکار و کشتن سگ‌ها و گر به‌های اطراف پالایشگاه شانزد به وسیله کارکن چینی گلابه شده است. در شبکه‌های پرسیده‌اند تلویزیون چینی که کله پاچه خوردن ایرانیان را مسخره می‌کند، چراز سگ و گر به خوردن کارکن چینی در مناطق نفت‌خیز ایران و نیز کشتن سگ و گر به شازنده سخن نمی‌گویند؟ آقای مهندس زرنگه علاقه عجیبی به سکوت و استتار دارد. در مورد همین کشتی سانچی چند روزی به سکوت گذشت. خواستند موضوع را بی‌اهمیت جلوه دهند، ولی پای جان ۳۰تن ایرانی و دو بیگلداشی کارکن کشتی در میان بود. من که تاریخ نفتکش را در ایران خوانده‌ام، می‌دانم از زمان ملی شدن صنعت نفت یعنی ۶۶سال پیش در زمان حکومت دکتر مصدق ملت و دولت ایران چقدر کوشش کردند شرکت ملی نفت ایران دارای یک کشتی نفتکش شود که موفق نشدند. شرکت سابق نفت که با ۱۳۰ فروند نفتکش نفت ایران را به ۱۰۰ بندر دوست می‌رسانند، خرید نفت ایران را تحریم کرد و ناوگان جنگی انگلیس کشتی ایتالیایی «رزماری» را در بندر مستعمراتی عدن توقیف کرد. محموله حمل شده دراز تنی به وسیله کشتی ایتالیایی «میرپلا» در بندر ایتالیا با شکایت شرکت سابق نفت انگلیس و ایران» توقیف شد. هینکتور محموله نفت که

کشتی‌های زاپی شرکت «ایده‌میتسو» زاپن به ژاپن برده بودند، به شکایت شرکت سابق نفت در بندر «یوگوهاما» توقیف شد. ایران حتی حاضر شده بود، حاج محمد نمازی، تاجر ایرانی مقیم شانگهای را در بین راه که به امریکا مهاجرت کرده بود و چند کشتی تانکر حمل آب پر تقال از امریکای جنوبی به امریکای شمالی را در اجاره داشت، به ایران بیاورد و در سمت وزیر نفت بگمارد تا شاید بتواند چند کشتی نفتکش خریداری یا اجاره کند و نفت ایران را به کشورهای قبلاً خریدار نفت «انگلو ایرانیین اوپل کمپانی» بفرستد. مساعی ایران به هیچ نتیجه‌ای نرسید تا پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ احمد مهید، کنسول پیشین ایران در نیویورک و رفیق شاه پهلوی پیش افتاد و برای کسب درآمد بیشتر اداره املاک و موقوفات پهلوی که در سال ۱۳۳۷ در آمد بنیاد پهلوی تغییر نام داد، شرکت ملی کشتیرانی ایران (بعداً آرپا) و سپس شرکت خصوصی نفتکش ایران را تأسیس کرد (با سرمایه املاک و مستغلات پهلوی) که چون امریکایی‌ها و سفیرشان «سلدون چی بین» که بر دخالت دربار در تمامی شرکت‌های هواپیمایی در سهام بنیاد پهلوی را خریداری کند و شرکت ملی نفتکش ایران تأسیس شدد که خدمات شایانی هم در جریان جنگ هشت ساله در خصوص حمل‌ونقل ایران انجام داد. از آقای مهندس زرنگه و آقای کبان ارش، مدیرعامل نفتکش پیرسید این شرکت ملی نفتکش با چه بلاها و مراتبی به دست دولت رسید. باور کنید نمی‌دانند و به همین علت در خصوص آتش گرفتن کشتی سانچی که نمی‌دانم چرا اسمش را به نام تغییر داده‌اند، سکوت و خونسردی نشان داده‌اند، البته با پایان ماجرای سانچی که نام‌اول آن سامان و ایران سپید بود و به وزارت رفاه واگذار شده بود تا خصوصی نشود و توضیحات اخیر وزارت رفاه و معاون و کاپیتان برای موضوع تا حدی مشخص شده است، ولی من نکاتی به نظر م رسیده است که در مقالات بعدی اعلام خواهم کرد.

# جوان

**روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران**
صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سر دبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
قطاع میزبای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۷۳
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸.
نمابر: ۶-۸۸۴۴۵۶۳۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۷-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۵۲۹۱ | یکشنبه اول بهمن ۱۳۹۶ | ۳ جمادی‌الاول ۱۴۳۹ | اذان ظهر: ۱۲:۱۶ | غروب آفتاب: ۱۷:۲۰ | اذان مغرب: ۱۷:۴۰ | شب‌شعبه‌شعرع: ۱۳۳:۲۲ | طلوع صبح فردا: ۵:۴۵ | طلوع آفتاب فردا: ۷:۱۱

گفت‌وگو «جوان» با رضا برجی در آستانه مراسم رونمایی از منشور مستند انقلاب

# پنجره جدیدی برای مستند در حال باز شدن است



#### ایزد مهر آفرین

رضا برجی از مستندسازان پیشکسوت عرصه فیلمسازی است. او ۲۵سال است که در این حیطه کار می‌کند و در ۷۵کشور عکاسی کرده و در کشورهای بسیاری مستندهایی در از تباط با جنگ ساخته است. گفت‌وگوی «جوان» را با این فیلمساز درباره منشور مستندسازی که مقام معظم رهبری خطاب به مستندسازان فرموده‌اند، می‌خوانید.

**شما یکی از مستندسازان پیشکسوت عرصه مستندسازی محسوب می‌شوید و سال‌های زیادی است که کار می‌کنید. با جوان ترها که صحبت کرده‌م، معتقد بودند که در دهه اخیر مستندسازی به ویژه مستند انقلاب رشد و شکوفایی داشته و بهتر شده است، نظر شما چیست؟**

مستند انقلاب یعنی مستندهایی که در ارتباط با سال ۵۶ تا پیروزی انقلاب باشد یا در برهه انقلاب باشد، اما کل مستند در ارتباط با انقلاب اسلامی شامل مستند جنگ و دفاع مقدس هم می‌شود. و سوره و عراق را هم در برمی‌گیرد. خوشبختانه اتفاقی که در این دهه افتاد این بود که یک مقدار نگاه سازمان‌ها و ارگان‌ها به مستند بیشتر شد، سابق وضعیت برای مستندسازان بسیار سخت‌تر بود. مثالی می‌زنم؛ در حمله امریکا به عراق در بغداد بودم، آقایان غفوری و کلهر هم بودند و دنبال بچه‌های ایرانی بودیم که ببینیم کجا مستقر هستند. خبر نگاران در سه هتل بغداد مستقر بودند؛ دو هتل فلسطینی ۱ و ۲ و دیگری هتل الرشید. دو هتل فلسطین با هم در یک مجتمع بودند هر دو هم ۲۰ طبقه و در هر طبقه هم بیش از ۱۰۰ اتاق و سوئیت بود و در یکی از این هتل‌ها دنبال بچه‌های ایرانی بودیم، چون برای ما جا نبود و گفتیم از آنها کمک بگیریم. ما آنها را پیدا نکردیم تا اینکه یکی از مسئولان هتل به ما یک فهرستی داد و گفت ببینید در این فهرست مستندسازان و نام‌ها را می‌بینید. اتفاقاً ما هم در آنجا بودیم که بچه‌های ایرانی بودیم، چون برای ما جا نبود و گفتیم از آنها کمک بگیریم. ما آنها را پیدا نکردیم تا اینکه یکی از مسئولان هتل به ما یک فهرستی داد و گفت ببینید در این فهرست مستندسازان و نام‌ها را می‌بینید. اتفاقاً ما هم در آنجا بودیم که بچه‌های ایرانی بودیم، چون برای ما جا نبود و گفتیم از آنها کمک بگیریم. ما آنها را پیدا نکردیم تا

اگر بخواهند بدون مرز زندگی بکنند، یعنی مرز زندگی‌شان را سینمای مستند بگذارند، من به آقای غفوری – که الان مدیر شبکه مستند است و می‌تواند شهادت بدهد- گفتم فرانسوی‌ها را در این هتل بشمار ببین چند نفر هستند؟ یک هتل از یک شهر، ۶۶ خبرنگار از فرانسه فقط در یک هتل بودند! حالا شهرها و هتل‌های دیگر را نمی‌دانم، ولی فکر می‌کنم نزدیک ۳هزار خبرنگار از فرانسه به عراق آمده بودند.

## سهمیه‌های ویژه جشنواره فیلم فجر به چه کسانی رسید؟

سانس‌ها شده است، گفت؛ ظرفیت سالن‌ها چهار بخش است که ۴۰درصد برای فروش مردمی به صورت خرید آنلاین، ۲۰درصد گیشه، ۲۰درصد برای نهادها، سازمان‌ها و ارگان‌ها و ۲۰درصد هم برای مهمانان دبیرخانه، جشنواره و صاحبان آثار است که

سینماداران هم در همین بخش سهمیه‌ای دارند. مدیران سینماتیکت درباره ارائه کارت‌هایی از مبلغ ۶۰۰هزار تا یک میلیون تومان به برخی از افراد خاص و بازگشایی سایت زودتر از موعد مقرر برای آنها بیان کرد؛ این کدهای ویژه برای مهمانان جشنواره در نظر گرفته شده بود که ما برای آنها زودتر و در تاریخ ۲۸دی ماه سایت را باز کردیم، اما ظرفیت‌های آنها مستقل از مردم است.

وی تأکید کرد: بخش مردمی ۴۰درصد ظرفیت هر سالن را در پیش فروش اینترنتی به خود اختصاص می‌دهد و از سهمیه فروش مردمی به کسی داده نمی‌شود، ضمن اینکه این موضوع مربوط به دبیرخانه و صاحبان آثار است که به آنها کدهایی داده شده بود تا بتوانند خودشان در هر سالتی که دوست دارند در ظرفیت مربوط به خودشان دست به انتخاب بزنند. ترکیان اظهار کرد: سایت خریداری این افراد جدا از مردم عادی است و آنها از یک سایت دیگر خریداری می‌کنند.

ترکیان در پایان عنوان کرد: امسال این امر بدون هیچ مشکلی انجام شد و در ۱۵ دقیقه ابتدایی حدود ۷هزار سراسری بلیت فروختیم و بلیت اکثر پردیس‌ها به فروش رفته است. به عبارتی لحظه‌ای که ما سایت را باز کردیم، حدود ۴هزار نفر آنلاین بودند، اما هیچ مشکلی در خرید بلیت برای آنها پیش نیامد.

#### حکمت

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>		<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
	حکمت ۲۴۵	
	حوادث اگر همانند یکدیگر بودند،	
	آخرین را با آغازین مقایسه و ارزشیابی	
	می‌کنند.	

گفت‌وگو «جوان» با رضا برجی در آستانه مراسم رونمایی از منشور مستند انقلاب

# پنجره جدیدی برای مستند در حال باز شدن است

طوری کار کنیم که جلو برود. از آن زمان هم من زمان برگشت پول نداشتم بیایم دوربین را فروختم و برگشتم! امسال چند فیلم خوب بین‌المللی دیدم که در دنیا حرفی برای گفتن دارد و مستندهایی که با مستندهای کردن کلفت دنیا شانه به شانه حرکت کند، اما اینکه بگویم پنجره جدیدی می‌خواهد برای مستند باز شود، من چیزی نمی‌بینم. فکر می‌کنم مستند ما تازه دارد از تاتی‌تاتی کار کردن خارج می‌شود و آهسته شروع به حرکت می‌کند؛ یعنی هنوز شروع به حرکت نکرده است و خیلی مانده تا مسئولان ما و به مستند نگاه راز بقایی نداشته باشند. الان ما هر جا می‌رویم می‌گوییم سینمای مستند کار می‌کنیم، می‌گویند راز بقا! دیدگاه آنها این است که ما نمی‌توانیم فیلم داستانی بسازیم و به سمت سینمای مستند رفته‌ایم.

**شما در جشنواره‌های مختلفی حضور داشته‌اید، هم به‌عنوان فیلمساز و هم به عنوان مخاطب. کار مستندسازان جوان را چطور ارزیابی می‌کنید؟**

مستندسازی به تعداد انگشتان یک‌دست به میدان آمدند و دارند کارهای خیلی خوبی می‌سازند و من به این بچه‌ها امیدوارم. مستندسازی‌تی که من در سه جشنواره امسال دیدم بسیار مستند هستند، چند مستندساز خوب که می‌توانند آینده مستند ما را جلو ببرند، ولی به شرطی که نگاه مسئولان فرهنگی ما از نگاه سانتیمتالیسم از سینمای مستند بیرون بیاید، بگذارند بسیار مستند در لایه‌های جامعه برود و حرف برای گفتن داشته باشد و برود لایه‌های جامعه را بشکافد و بالاخره از اتفاقاتی که دراین کشور دارد رخ می‌دهد، بگوید و به نوعی باید برای نظام اطلاعات جمع کند و لایه‌های مختلف اتفاقاتی را که در جامعه رخ می‌دهد، جمع کند و نشان بدهد و مسئولان از ماحصل کاری که مستندسازان انجام می‌دهند، یک راهکاری پیدا کنند. اگر به این شکل پیش بروی، یعنی مستند فرهنگی هنری ما چه ارشاد و چه جاهای دیگر که در زمینه فرهنگی هنری کار می‌کنند، واقعاً یک روزی خواهند لایه‌های مختلف جامعه را ببینند و بفهمند چه اتفاقی دارد رخ می‌دهد و ببینند چه باید بکنند یعنی هنوز نتوانسته‌اند آسیب‌شناسی بکنند. مستندسازها می‌توانند به راحتی آسیب‌شناسی بکنند و ماحصل کارشان را در قالب فیلم نشان بدهند تا مسئولان بتوانند راهکار پیدا کنند، ولی متأسفانه هنوز به این مرحله نرسیده‌ایم.

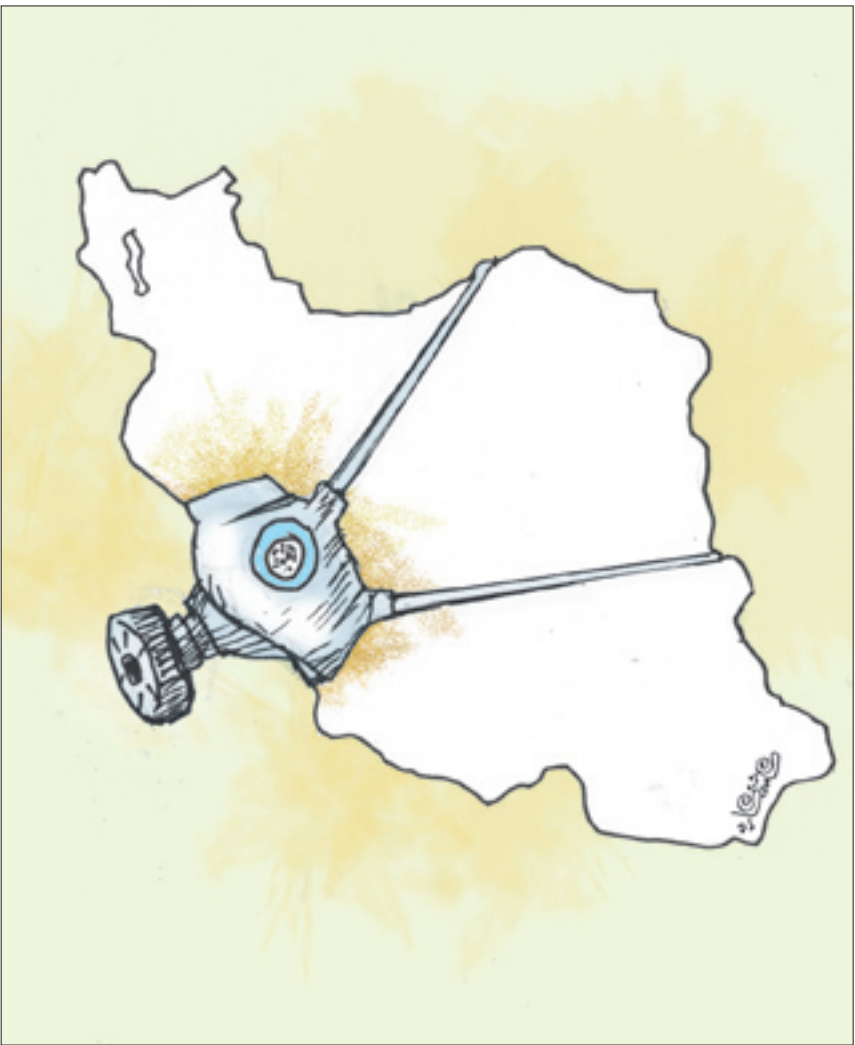
**فکر می‌کنید چه موضوعاتی در سینمای مستند مهجور مانده است؟**
موضوعات بسیاری وجود دارد. مسئولان از مستندسازان بخواهند مثلاً در مورد اعتیاد ۱۰ مستند بسازند و لایه‌های مختلف جامعه را

کنکاش کنند و ببینند و در ارتباط با این موضوع یک راهکار پیدا کنند، ولی هنوز این اتفاق از سوی مسئولان رخ نداده است.

**فکر می‌کنید الان دانشگاه‌های بدون مشکل هستند؟**

فقط کافی است شما دوربین را ببرید در خوابگاه و لایه‌های مختلف دانشگاه، می‌بینید که چه اتفاقی دارد رخ می‌دهد. در خیلی جاهای دیگر مسئولان می‌توانند از بچه‌های مستندساز کمک بگیرند.

#### نما| حسین کشکار



## عجایب جشنواره تئاتر فجر

#### محمد محمدی

انتخاب شائبه‌برانگیز دکتر فرهاد مهندس پور به‌عنوان دبیر جشنواره سی‌وششم تئاتر فجر و در پی آن رونمایی از پوسته‌هایی که قطعاً دون شأن جشنواره‌ای در مقیاس فرهنگ و هنر انقلاب اسلامی، در خوش‌بینانه‌ترین حالت ممکن اگر تعمد نینداریم – که نگارنده بسیار بعید می‌دانم – قطعاً ساده‌لوحی محض و خسارت‌آور برای انقلاب و نظام است که توسط شخص دبیر و

تیم همکارانش در آستانه بهمن‌ماه و جشن‌های فجر رقم خورد؛ رفتاری که مؤکداً و به‌رغم مخالفت اکثریت دلسوزان جامعه هنری و رسانه‌های معتبر کشوری بر ادامه آن اصرار ورزیده و از مواضع اشتباه و هزنه‌دار خود هرگز کوتاه نیامده و به اجرای آنها همچنان اصرار می‌ورزد. اما ظاهراً و در نهایت تأسف رفتارها و اتفاقات عجیب در این دوره از جشنواره تمامی ندارد و هر روز یک

دعوت مهم و استراتژیک رونمایی می‌شود.

برحالی که کمتر از ۲۴ ساعت به شروع سی‌وششمین دوره از جشنواره تئاتر فجر مانده از ستاد این فستیوال اسامی هیئت داوران بخش بین‌الملل جشنواره تئاتر فجر به برخی از رسانه‌های نزدیک به تیم جشنواره اعلام شد. ترکیبی که شاید در نگاه اول خالی از اشکال نباشد، اما با نگاهی دقیق‌تر به سادگی تمام می‌توان سیطنت شکل گرفته در آن را مشاهده کرد.

ترکیب امسال از دو هنر مند ایرانی متشکل از سر کار خانم معتمدآریا و جناب قادری و همچنین سه مهمان خارجی است، همین نحوه چیدمان در گام نخست خود، محل اساسی‌ترین اشکال است؛ به دیگر سخن آنکه اساساً خانم معتمدآریا و جناب قادری دارای کدامین صلاحیت برای حضور در هیئت داوران بزرگ‌ترین رویداد تئاتر کشور می‌باشند؟

خانم بازیگری که عمده فعالیت‌هایش در حوزه سینما و تلویزیون بوده و جز خرده و اندک آثار تئاتری آن‌هم در مقام بازیگر، چه سهمی در تئاتر کشور دارد که به‌عنوان داور انتخاب می‌شود؟ یا تحصیلات بی‌ربط به تئاتر در حوزه ادبیات انگلیسی و حتی تدریس در یکی از دانشگاه‌های تری که جناب آقای قادری می‌تواند دلیل حضور ایشان در بخش داورى تئاتر فجر باشد؟ و یک جالش مهم و

«بدون تاریخ، بدون امضا» چه نسبتی با عید دارد؟

### چرا می‌خواهید کام خانواده‌ها را در نوروز تلخ کنید

#### جواد محرمی

اکران فیلم تلخ و ناامیدکننده «بدون تاریخ، بدون امضا» در نوروز ۹۷ را باید از چند جهت نشانه کج‌سیلیقتی و رویکرد ضد مخاطب مسئولان اکران فیلم‌ها تلقی کرد.

ایام نوروز یکی از بهترین فصل‌های اکران سینمایی در کشور است و طبیعی است که در این ایام خانواده‌ها ترجیح بدهند اوقات فراغت خود را به اموری اختصاص بدهند که تر جیحا فرح‌بخش و نشاط‌آور باشد. شرایط کشور هم ایجاب می‌کند که روحیه نشاط در مردم تقویت شود. در حالی‌که بخش عمده‌ای از رسانه‌های اشراف صحیحی بر مسئولیت مهم خود در ارتباط با مردم ندارند و با ضربید دادن به اخبار منفی از جمله قتل و تجاوز، اسیدپاشی، کودکان آزارای، فساد اقتصادی و این قبیل مسائل با روح و روان آن غیرقابل انکار است، مسئولیت سنگینی بر عهده دارد و انتظار می‌رود حداقل در اکران نوروزی، آثاری در دایره اکران این ایام قرار بگیرند که مناسب خانواده‌ها باشد، ولی شواهد نشان می‌دهد که خانواده‌محوری در انتخاب فیلم‌ها برای اکران نوروزی تصاب‌العین مدیران سینمایی نیست. انتخاب فیلم تلخ و ضدخانواده «بدون تاریخ بدون امضا» نشان می‌دهد که خانواده اساساً در انتخاب آثار محلی از اعراب ندارد. این روزها عنوان می‌شود که سیانه‌نمایی از وضعیت کشور و فعالیت‌های دولت کار خوبی نیست و باید به مردم امید داد و رسانه‌ها تشویق به این کار می‌شوند.اما در عرصه سینما ظلاً خیلی قرار نیست امیدبخشی و نشاط اجتماعی حتی در حد شعار در رأس امور باشد. این مسئله از اختصاص اکران نوروزی به



فیلم تلخ و ناامیدکننده سینمایی به وضوح به چشم می‌آید. سینمای اجتماعی ایران اساساً نمایل زیادی به تلخی دارد و از سویی دیگر واضح است که صرف کمندی بودن آثار هم نمی‌تواند خانواده‌گی بودن آن را تضمین کند. فیلم‌های کمندی سینمای ایران اغلب برای گرفتن خنده از مخاطب به موضوعات غیراخلاقی تمرکز دارند و این طریقی است که از آن برای پوشش ضعف‌های فنی فیلمنامه استفاده می‌شود و قاعدتاً آثار سالمی برای خانواده‌ها محسوب نمی‌شوند. اغلب سازندگان آثار کمندی، سرگرمی را نه به عنوان وسیله‌ای برای انتقال پیامی اخلاقی یا تاسانی بلکه به عنوان هدف نهایی مفروض می‌کنند و همین هدف بودن سرگرمی منجر به این می‌شود که از سطحی‌ترین جنبه‌هایری خندانند استفاده شود. اگر دولت معتقد است نباید ناامیدی به جامعه تزریق شود، ضروری است این موضوع در رویکرد‌های هنری و سینمایی کشور نیز مورد توجه قرار گیرد. واضح است که امیدبخشی به جامعه با اخلاق‌مداری مضمونی آثار درهم‌تنیدگی غیرقابل اجتنابی دارد.